رابطه سبک لباس و آرایش با افزایش خشونت جنسی

27 آبان 1402

در سال ۲۰۱۷، برخی محققان در دانشگاه شهر نیویورک، تحقیقی را بر روی سایر پژوهش‌های انجام شده در مساله لباس و تأثیر آن در ایجاد خشونت جنسی انجام دادند.

محققان به این موضوع علاقه مند بودند که آیا لباس یک فرد، انگیزه اعمال خشونت جنسی از سوی دیگران است و افراد را در معرض خطر قربانی شدن خشونت جنسی قرار می‌دهد. در بیشتر این مطالعات، آنچه محققان اندازه‌گیری کردند، احتمال اعمال خشونت علیه یک زن به عنوان تابعی از لباس تحریک کننده او بود.

ولی و ریزو (۱۹۹۱) یک نظرسنجی نظری از روانپزشکان ایالات متحده انجام دادند که به نقش پوشاک بدن نمای زنان جوان در تحریک جنایات جنسی می‌پرداخت. اکثریت قابل توجهی بر این باور بودند که وقتی زنان جوان لباس‌های بدن نما می‌پوشند، در معرض خطر جنایات جنسی قرار دارند. شرکت کنندگان همچنین نشان دادند که والدین باید در نظر داشته باشند که لباس دختران چه علامتی به مردان می‌دهد.

ورکمن و جانسون (۱۹۹۱) که به باورهای روزمره مردم در مورد روابط بین لباس پوشیدن و خشونت جنسی علاقه داشتند، آزمایشی را برای بررسی اثرات استفاده از لوازم آرایشی (تغییر بدن) و جنسیت شرکت کننده بر استنباط دانشجویان در مورد احتمال تحریک آزار و اذیت جنسی انجام دادند. هنگامی که فرد از لوازم آرایشی سنگین استفاده می‌کرد، از نظر احتمال تحریک آزار جنسی بالاترین رتبه را داشت و به دنبال آن شرایط متوسط و بدون لوازم آرایشی قرار داشت. مردان بیشتر از زنان، این وضعیت را عاملی برای تحریک آزار و اذیت جنسی ارزیابی کردند. زمانی که این مدل از لوازم آرایش استفاده نمی‌شد کمترین احتمال قرار گرفتن در معرض آزار جنسی وجود داشت. بنابراین استفاده از لوازم آرایشی با احتمال آزار جنسی مرتبط بود.

بعدها، جانسون و ورکمن (۱۹۹۲) از نظریه اسناد (attribution theory) برای مطالعه تأثیر لباس تحریک‌آمیز و جنسیت ناظر بر آزار جنسی استفاده کردند. مردان و زنان در مقطع کارشناسی عکس یک زن جوان را مشاهده کردند که لباس تحریک کننده یا غیر تحریک کننده داشت. هم مردان و هم زنان این مدل لباس تحریک آمیز را بیشتر در معرض تحریک آزار جنسی ارزیابی کردند.

استنباط‌های مربوط به تجاوز جنسی درباره زنانی که لباس‌های تحریک کننده می‌پوشند، مشابه استنباط‌های مربوط به آزار جنسی است. کسیدی و هورل (۱۹۹۵) در آزمایشی با دانش آموزان دبیرستانی تأثیر لباس یک قربانی زنرا بررسی کردند. دانش‌آموزان سناریوی تجاوز جنسی را مطالعه

کردند و درباره مسئولیت قربانی، موجه بودن رفتار ضارب و اینکه آیا قربانی واقعاً مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است، قضاوت کردند. مقتول با لباس محافظه کارانه، مسئولیت پذیر تر و رفتار ضارب در هنگام پوشیدن لباس تحریک آمیز توجیه پذیرتر ارزیابی شد که نشان می‌داد نوع لباس در باور افراد پیرامون محکوم کردن متجاوز یا قربانی تأثیر دارد.

متعاقباً، ورکمن و اور (۱۹۹۶) و ورکمن و فریبرگ (۱۹۹۹) از نظریه اسناد برای مطالعه تأثیرات جنسیت ناظر، پذیرش افسانه تجاوز جنسی، و لباس قربانی بر تجاوز جنسی و نسبت دادن به مسئولیت و سرزنش استفاده کردند. در حالی که سایر محققان بسیاری از جنبه‌های لباس را دستکاری کردند تا معنای تحریک آمیز داشته باشد (مانند مورر و رابینسون ۲۰۰۸؛ واتلی ۲۰۰۵) یا توضیح ندادند که چه جنبه‌هایی دستکاری شده است (کسیدی و هارل ۱۹۹۵) تا تحریک آمیز بودن یا جذابیت لباس را منتقل کنند، ورکمن و اور تنها یک جنبه از لباس را دستکاری کردند. طول دامن. یک مدل با سه نوع دامن عکاسی شد: دامنی که ۳ اینچ زیر زانو بود، تا زانو یا سه اینچ بالاتر از زانو بود. نشانه بلندی دامن بر برچسب زدن حادثه به عنوان تجاوز تأثیری نداشت، اما بر قضاوت مسئولیت قربانی بر وقوع تجاوز تأثیر گذاشت و افراد مسئولیت بیشتری را به قربانیانی که دامن کوتاه می‌پوشد نسبت به دامن متوسط یا بلند نسبت دادند.

شولت و اشنایدر (۱۹۹۱) که در زمینه دیگری از خشونت جنسی کار می‌کردند، آزمایشی را انجام دادند که تاریخچه تجاوز جنسی قربانی، تحریکات جنسی (ترکیب لباس با زمینه) و جنسیت ناظر را در درک سرزنش برای تجاوز جنسی تغییر داد. سه وضعیت مورد بررسی قرار گرفت: زنی با کفش‌های کتانی، شلوار جین و پیراهن پوشیده که تجاوز به او هنگام خروج از کتابخانه رخ داد. بار دیگر او از یک کازینو که در آن مشروب می‌نوشید، خارج شد و لباسی کوتاه به تن داشت. در حالت سوم، او در حال رقصیدن روی صحنه در یک باشگاه برهنه بود، یک بند جی، کفش پاشنه بلند و جوراب ماهی پوشیده بود، و تجاوز جنسی هنگام خروج او از کلاب اتفاق افتاد. با افزایش تحریکات جنسی، شرکت کنندگان سرزنش را از مهاجم به قربانی منتقل کردند.

لونان و همکاران (۲۰۱۳) تحقیقی در مورد تجاوز جنسی و لباس پوشیدن انجام دادند. در آن مطالعه، دانشجویان کارشناسی در معرض یکی از دو عکس یک دانشجوی دختر (لورا) که پیشخدمت و نیز مدل پاره وقت بود، قرار گرفتند. دو عکس از نمونه کار مدلینگ او ارائه شد که از لباس استفاده می‌کرد تا میزان نمایان شدن بدن را تغییر دهد. سپس شرکت‌کنندگان سناریوی تجاوز جنسی در مورد لورا را

خواندند. شرکت‌کنندگانی که لورا را در حال پوشیدن بیکینی دیدند، نسبت به شرکت‌کنندگانی که او را با شلوار جین و تاپ می‌دیدند، به‌طور قابل‌توجهی معتقد بودند که مقصر تجاوز، لورا است، چرا که در حالی که اقلام خاص لباس پوشیده شده در شرایط مختلف متفاوت بود، قسمت بیشتری از بدن در وضعیت بیکینی آشکار شده و زمینه را برای تجاوز فراهم کرده است.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد در تمامی کشورهای جهان، میزان پوشیدگی و زنگ لباس و نیز نوع و میزان آرایش، می‌تواند بر ایجاد زمینه تحریک آزار جنسی و خشونت علیه زنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. افراد، زنانی را که از پوشش‌های کمتری استفاده می‌کنند، دارای مسئولیت اخلاقی کمتر می‌دانند و در نتیجه آنها را سرزنش و نوعی کالای جنسی شده تلقی می‌کنند. حتی در برخی تحقیقات نشان داده شده که افراد متجاوز را به دلیل نوع پوشش قربانی، کمتر مستحق مجازات می‌دانند.

راحیل فیاضی ؛جامعه شناس

منابع:

- Cassidy, L., & Hurrell, R. M. (1995). The infuence of victim’s attire on adolescents’ judgments of date rape. Adolescence, 30(118), 319–323.

- Loughnan, S., Pina, A., Vasquez, E., & Puvia, E. (2013). Sexual objectifcation increases rape victim blame and decreases perceived sufering. Psychology of Women Quarterly, 37(4), 455–461

- Schult, D. G., & Schneider, L. J. (1991). The role of sexual provocativeness, rape history, and observer gender in perceptions of blame in sexual assault. Journal of Interpersonal Violence, 6(1), 94–101.

- Vali, D., & Rizzo, N. D. (1991). Apparel as one factor in sex crimes against young females: Professional opinions of US psychiatrists. International Journal of Ofender Therapy and Comparative Criminology, 35(2), 167–181.

- Workman, J. E., & Freeburg, E. W. (1999). An examination of date rape, victim dress, and perceiver variables within the context of attribution theory. Sex Roles, 41(3/4), 261–277. Workman, J. E., & Johnson, K. K. P. (1991). The role of cosmetics in attributions about sexual harassment. Sex Roles, 24(11–12), 759–769. Workman, J., & Orr, R. L. (1996). Clothing, sex of subject, and rape myth acceptance as factors afecting attributions about an incident of acquaintance rape. Clothing and Textiles Research Journal, 14, 276–284